**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه329 – 27/ 03/ 1399 بطلان وضوی ضرری /تنبیهات / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره حکم وضو و غسل ضرری بود. آقای سیستانی وضو و غسل ضرری را باطل دانسته، آیه شریفه جعل وضو و غسل را دلیل بر این مطلب می دانند. استاد دام ظله بحث را در دو مرحله بیان می کند:

مرحله اول: آیا استثنای مرضی کنایه از ضرری بودن وضو و غسل برای مرضی است؟

مرحله دوم: بر فرض کنایه بودن، آیا از آیه شریفه جعل وضو و غسل، بطلان وضوی ضرری استفاده می شود؟

استاد دام ظله در مرحله اول، این احتمال را مطرح می کنند که استثنای مرضی به علت حرج باشد نه ضرر و مؤیداتی را برای این احتمال از روایات بیان می کنند.

ایشان در مرحله دوم، استظهار بطلان وضو و غسل ضرری را از آیه شریفه را نفی کرده، بیان می کنند: هر چند نمی توان از آیه، صحت وضو و غسل ضرری را استظهار کرد اما استظهار فساد نیز صحیح نیست.

## تمسک به آیه تشریع وضو برای اثبات بطلان وضوی ضرری

بحث درباره آیه وضو و غسل بود. در تقریرات آقای سیستانی وارد شده: از آیه وضو و غسل استفاده می شود، وضو و غسل در حال ضرر باطل است. در جلسه گذشته مقداری از مباحث در این زمینه بیان شد. در توضیح بیشتر باید گفت: مرحوم آقای داماد این مطلب را مفروغ عنه گرفته اند که استثنای مرض و استثنای «علی سفر» علت واحدی دارد و هر دو به علت مشقت است. آقای سیستانی در مقدمه بحث اشاره کرده اند: «فان کان منکم مرضی» کنایه از ضرری بودن استعمال ماء است. ایشان در اشکالاتی که به تقریب بیان کرده اند، احتمال نظارت «فان کان منکم مرضی» به مشقّت و حرج را نفی کرده است. پس کلام آقای سیستانی و مرحوم آقای داماد، با هم تفاوت جوهری دارند که در مقام، تنها فرمایش آقای سیستانی را مورد بحث قرار می دهیم.

### بررسی کلام آقای سیستانی

باید در دو مرحله کلام آقای سیستانی را بحث کرد:

مرحله اول: آیا استثنای مرضی به این است که مرض نوعا مضرّ است و «فان کان منکم مرضی» کنایه از ضرری بودن وضوست؟

مرحله دوم: بر فرض ثبوت مطلب اول، آیا نتیجه گیری که در تقریرات آقای سیستانی وارد شده، صحیح است؟

در مرحله اول می توان در دو جهت بحث کرد:

جهت اول: از آیه و لو به کمک روایات تفسیری چه مطلبی استفاده می شود؟

جهت دوم: در آیات مشابه دیگری که مریض از حکمی استثنا شده است، استثنا شدن به چه اعتبار است؟

#### مرحله اول: ملاک استثنای مرضی در آیه وضو، ضرر یا حرج؟

آقای سیستانی در مرحله اول، مفروغ عنه گرفته، مرض کنایه از ضرری بودن است و می فرماید: امکان دارد از ذیل آیه شریفه « ما يُريدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُريدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ‏»[[1]](#footnote-1) استفاده شود، بدل بودن تیمّم برای رفع حرج و مشقت است اما این مطلب صحیح نیست و ذیل، تعلیل برای اصل طهارات ثلاث است که علت طهارات ثلاث، احراج مکلفین نبوده، علت آن تطهیر مکلّفین است.

آیا ذیل مربوط به طهارت ثلاث یا مربوط به عدم ایجاب وضو و غسل است؟ شاید «وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» بیشتر تناسب داشته باشد که با عدم ایجاب وضو و غسل، نعمت را تمام کرده باشد. البته به این استظهار اصراری نداریم.

به نظر می رسد در عدم ایجاب وضو در صورت مرض، ذاتا سه احتمال وجود دارد:

اول: علت استثنای مرضی، ضرر باشد همانگونه که آقای سیستانی بیان کرده است.

دوم: علت استثنای مرضی، مشقّت باشد نه حرج. به این بیان که برای مرضی، وضو و غسل مشقت آور است.

سوم: علت استثانی مرضی، حرج باشد.

هر سه احتمال در این آیه وجود داشته و به همین دلیل نمی توان، به روشنی وجه استثنای مرضی را از این آیه برداشت کرد.

اما از آیات مشابه چه مطلبی استفاده می شود؟

##### بررسی مفاد آیات مشابه

یکی از آیات مشابه، آیه سوره بقره درباره روزه است که شباهت زیادی به آیه مورد بحث دارد و قید مریض و علی سفر در آن وارد شده است. در آیات 183-185 سوره بقره وارد شده است:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ‏

أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَريضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذينَ يُطيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعامُ مِسْكينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ‏

شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى‏ ما هَداكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ‏

به نظر می رسد، ظاهر « يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ... » این است که مربوط به ذیل است و درباره اصل جعل صوم نیست. البته در برخی از روایات، « وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» دلیل برای اصل جعل صیام قرار داده شده و از آن نتیجه گیری شده، ماه رمضان همیشه سی روزه است. مرحوم شیخ مفید در جوابات اهل موصل، در مقام پاسخ به این روایات، اشاره می کند:

ثم احتج بكون شهر رمضان ثلاثين يوما لم ينقص عنها بقوله تعالى وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ و هذا نص في قضاء الفائت بالمرض و السفر أ لا ترى إلى قوله وَ مَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ.[[2]](#footnote-2)

ایشان بنابراین که ذیل مربوط به اصل صوم رمضان باشد نیز استدلال به آیه برای سی روزه دانستن ماه رمضان را پاسخ می دهد که خارج از بحث ماست. اما شیخ مفید در استظهار اولی، « يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ... » را مربوط به ذیل می داند.

شیخ مفید در مقنعه نیز به همین مطلب اشاره کرده است:

و أكد خروج المرضى و المسافرين من فرضه في الحال بتكرار ذكرهم للبصيرة و البيان و أبان عن علة خروجهم بما وصف من إرادته جل اسمه لهم اليسر و كراهية العسر عليهم زيادة منه في البرهان[[3]](#footnote-3)

شیخ طوسی در تهذیب نیز در ردّ روایاتی که به ذیل آیه برای سی روزه بودن ماه رمضان تمسک کرده اند، می نویسد:

وَ الِاعْتِلَالُ أَيْضاً فِي أَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَا يَكُونُ إِلَّا ثَلَاثِينَ يَوْماً بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ يَبْطُلُ ثُبُوتُهُ عَنْ إِمَامٍ هُدًى بِمَا ذَكَرْنَاهُ مِنْ كَمَالِ الْفَرْضِ الْمُؤَدَّى فِيمَا نَقَصَ مِنَ الشَّهْرِ عَنْ ثَلَاثِينَ يَوْماً مَعَ أَنَّ ظَاهِرَ الْقُرْآنِ يُفِيدُ بِأَنَّ الْأَمْرَ بِتَكْمِيلِ الْعِدَّةِ إِنَّمَا يَتَوَجَّهُ إِلَى مَعْنَى الْقَضَاءِ لِمَا فَاتَ مِنَ الصِّيَامِ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى- فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ فَأَخْبَرَ تَعَالَى أَنَّهُ فَرَضَ عَلَى الْمُسَافِرِ وَ الْمَرِيضِ عِنْدَ إِفْطَارِهِمَا فِي الشَّهْرِ الْقَضَاءَ لَهُ فِي أَيَّامٍ أُخَرَ لِيُكْمِلُوا بِذَلِكَ عِدَّةَ مَا فَاتَهُمْ مِنْ صِيَامِ الشَّهْرِ الَّذِي مَضَى وَ لَيْسَ فِي ذَلِكَ تَحْدِيدٌ لِمَا يَقَعُ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ إِنَّمَا هُوَ أَمْرٌ بِمَا يَجِبُ مِنْ قَضَاءِ الْفَائِتِ كَائِناً مَا كَانَ[[4]](#footnote-4)

ایشان ذیل آیه را دلیل بر مجعول بودن روایات دال بر سی روزه بودن ماه رمضان قرار داده است.

البته ممکن است به روایت وارد شده در تفسیر عیاشی بر این مطلب استدلال شود:

عن الزهري عن علي بن الحسين ع قال‏ صوم السفر و المرض أن العامة اختلفت في ذلك- فقال قوم: يصوم و قال قوم لا يصوم، و قال قوم: إن شاء صام و إن شاء أفطر، و أما نحن فنقول يفطر في الحالين جميعا- فإن صام في السفر أو في حال المرض فعليه‏ القضاء، ذلك بأن الله يقول ﴿«فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ- فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْر َ﴾»[[5]](#footnote-5)

ظاهر روایت این است که «یرید الله بکم الیسر ...» مربوط به صیام در حال سفر و مرض است.

 اما استدلال به این روایت تمام نیست زیرا در نقل کافی به این صورت است:

فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ‏ يَقُولُ- فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ فَهَذَا تَفْسِيرُ الصِّيَامِ.[[6]](#footnote-6)

 در نقل کافی، اشاره ای به ذیل آیه شریفه نشده است. به نظر می رسد راوی در نقل تفسیر عیاشی، ذیل آیه شریفه را ضمیمه کرده است. در خصال[[7]](#footnote-7) نیز آیه بدون ذیل نقل شده است. در مقنع صدوق[[8]](#footnote-8) هر چند به روایت استناد نداده اما روشن است که از روایت گرفته شده است. در این نقل نیز اشاره ای به ذیل آیه شریفه نشده است. از مجموع این موارد روشن به نظر می رسد، در روایت اشاره ای به ذیل آیه نشده و راوی به علت مأنوسیت ذهنی آن را افزوده است. پس نمی توان به این روایت استدلال کرد.

بله روایت دیگری وارد شده که می تواند مؤید این باشد که «یرید الله بکم الیسر ...» مربوط به سفر است: مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ فَقَالَ وَيْلَهُمْ أَوْ وَيْحَهُمْ وَ أَيُّ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ لَا لَا يُتِمُّ.[[9]](#footnote-9)

«ایّ سفر اشدّ منه» اشاره دارد ملاک قصر در سفر، شدت و مشقّت موجود در سفر است و چون سفر در عرفات، سفر شدیدی است، باید نماز را قصر بخواند. به این دلیل که استدلال در مقابل عامه باید با استدلالی مشهور باشد و بعید است مطلب مشهوری غیر از این آیه وجود داشته باشد، این روایت مؤید آن است که «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» در آیه شریفه، تعلیل برای تخفیف بر مسافر است.[[10]](#footnote-10)

برخی از روایات مؤید این مطلب هستند که ملاک عدم ایجاب صوم بر مریض، ضرر نیست.

عن أبي بصير قال‏ سألت أبا عبد الله ع عن حد المرض‏ الذي- يجب على صاحبه فيه الإفطار- كما يجب عليه في السفر- في قوله: «وَ مَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ» قال: هو مؤتمن عليه مفوض إليه فإن وجد ضعفا فليفطر، و إن وجده قوة فليصم‏ كان المريض على ما كان‏[[11]](#footnote-11)

«ضعفا» به معنای ضعفا عن الصیام و «قوه» به معنای قوه للصیام است. این روایت مؤید این مطلب است که قدرت بر روزه

گرفتن ملاک بر لزوم روزه بر مریض است. از نظر عرفی، شخص بر روزه همراه با حرج قدرت ندارد و بر روزه بدون خرج قدرت دارد. پس از این روایت استفاده می شود ملاک در عدم ایجاب صوم بر مریض، حرج است نه آنکه ملاک عدم ایجاب صوم، ضرر باشد.

مشابه به این روایت در روایت سماعه نیز نقل شده که در آن تصریح به آیه شریفه نشده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ‏ مَا حَدُّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ فِيهِ الْإِفْطَارُ كَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِي السَّفَرِ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ قَالَ هُوَ مُؤْتَمَنٌ‏ عَلَيْهِ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفاً فَلْيُفْطِرْ وَ إِنْ وَجَدَ قُوَّةً فَلْيَصُمْهُ كَانَ الْمَرَضُ مَا كَانَ.[[12]](#footnote-12)

اما به نظر می رسد این روایت نیز با تعبیر «من کان مریضا او علی سفر» اشاره به آیه قرآن باشد. این روایت نیز مؤید آن است که ملاک در عدم ایجاب صوم بر مریض، مشقت است نه ضرر.

این نکته نیازمند ضمیمه است: حاج آقای والد درباره مریض در صیام می فرماید: علما می گویند هر چند مریض در آیه قرآن مطلق است اما انصراف به مریضی دارد که صوم برای او ضرر دارد یا باعث ایجاد مرض شده یا باعث تشدید مرض شده یا باعث تأخیر برء می شود. ایشان می فرماید: تناسبات حکم و موضوع اقتضا نمی کند که ضرر موضوعیت داشته باشد زیرا این احتمال وجود دارد که شارع مقدس، نفس مشقّت موجود در صوم را برای مریض مجوّز افطار قرار داده باشد هر چند این میزان مشقّت در افراد عادی، موجب افطار نیست. به این اعتبار که بر مریضی که مشقّت مرض را تحمّل می کند، مشقّت دیگری با ایجاب صوم بر او تحمیل نشود. پس نمی توان از آیه قرآن استفاده کرد، ضرر موضوعیت دارد.

البته حاج آقای والد این معنا را در حدّ احتمال بیان می کنند و می فرماید: این احتمال با آیه تنافی ندارد. ایشان آیه را شامل مریضی که روزه برای او مشقّت ندارد یا روزه برای او مفید است و مثلا موجب کنترل فشار خون اوست، نمی داند زیرا در این آیه، منتّی بر مریض گذاشته شده و «لعلّکم تشکرون» نیز اشاره به همین منت است و منّتی در عدم ایجاب صوم بر مریضی که روزه برای او مفید است، وجود ندارد. اما معنای سخن اخیر، ملاک بودن ضرر در عدم ایجاب صوم بر مریض نیست و در آیه احتمال دارد ملاک عدم ایجاب صوم، مشقّت باشد. برای روشن شدن ملاک حکم، باید روایات را جمع بندی کرد و شاید بتوان از مجموع روایات استفاده کرد، ملاک عدم ایجاب صوم بر مریض، حرج است و «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» نیز ناظر به حرج است و برای بیان علت عدم ایجاب صوم بر مریض می باشد.

مؤید این مطلب که آیه شریفه صوم و حتی آیه شریفه تیمّم، مربوط به ذیل است، ورود «لعلّکم تشکرون» در ذیل آیه است که از آن استفاده می شود، شارع منّتی بر مکلّفین قرار داده است و این بیشتر سازگار با این است که درباره ذیل آیه باشد تا درباره اصل ایجاب وضو و غسل یا صوم باشد. روشن تر به نظر می رسد که شارع بیان کند: «ما ایجاب وضو و غسل را برای مسافر و مریض برداشتیم تا شکر گزارید» تا اینکه بیان کرده باشد: «ما وضو و غسل را جعل کردیم تا شکر گزارید.»

در مجموع به نظر می رسد اگر تعلیل مربوط به عدم ایجاب غسل و وضو برای مریض و مسافر نباشد، لا اقل این احتمال وجود دارد و با وجود این احتمال، مشکل است به آیه شریفه تمسک شود و گفته شود: آیه ظهور در این دارد که استثنای مریض به علت ضرر است.

#### مرحله دوم: استظهار بطلان وضو و غسل ضرری از آیه تشریع وضو و غسل

مرحله دیگر بحث این است که اگر از آیه شریفه استظهار کردیم که عدم ایجاب وضو و غسل برای مریض، به علت ضرر است و مریض کنایه از کسی است که وضو و غسل برای او ضرری است، آیا می توان از آیه بطلان وضو و غسل را در فرض ضرر، استفاده کرد؟

باید دقت داشت استفاده از آیه به دو صورت ممکن است:

گاه گفته می شود: آیه شریفه دلیل بر صحت وضو و غسل ضرری نیست.

و گاه گفته می شود: آیه شریفه دلیل بر بطلان وضو و غسل ضرری است.

آقای سیستانی به هر دو مطلب اشاره داشته، می فرماید: آیه شریفه نه تنها دلیل بر صحت نیست بلکه دلیل بر بطلان است.

##### وجوه محتمل برای تفصیل بین مریض و غیر مریض

آیا می توان با کلام ایشان موافقت کرد؟

در آیه شریفه بیان شده: کسی که وضو یا غسل برای او ضرری است، تیمّم کند. آقای سیستانی اینگونه بیان می کند: چون تفصیل قاطع شرکت است، مریض و مسافر امر به غسل و وضو ندارند.

در پاسخ به این استدلال به چند نحو می توان بیان کرد که جوهر برخی از آنها وحدت دارد.

###### بیان اول: امر تخییری مریض به وضو یا تیمّم

بیان اول این است: امر به غسل و وضو برای غیر مریض و غیر مسافر، امر تعیینی است و این امر تعیینی قطعا درباره مریض و مسافر نیست و مریض و مسافر می توانند تیمّم کنند. اما آیا امر تخییری به وضو و غسل برای مریض و مسافر، از بین رفته است؟ از آیه شریفه تنها استفاده می شود که بین مریض و مسافر و دیگران تفاوت وجود دارد اما آیا این فرق این است که مریض و مسافر اصلا امر به وضو و غسل ندارند یا تنها امر تعیینی ندارند؟ از «التفصیل قاطع للشرکه» تنها استفاده می شود، احکام مریض و مسافر و غیر این دو با هم متفاوت است و این تفاوت می تواند در امر تعیینی و تخییری باشد.

###### بیان دوم: امر به تیمّم در مقام توهم حظر

بیان دوم این است: می توان در پاسخ به بیان اول گفت: ظهور امر به تیمّم در تعیینی بودن است و وجوب تخییری تیمّم در کنار وضو و غسل را نفی می کند. اما این پاسخ صحیح نیست زیرا امر در مقام توهّم حظر است. به این بیان که امر تعیینی به وضو و غسل این توهّم را ایجاد می کند که درباره مریض و مسافر نیز غسل و وضو وجوب تعیینی داشته باشد. پس با وجود توهّم حظر در بدل بودن تیمّم برای وضو و غسل، از امر به تیمّم نمی توان وجوب تعیینی را استظهار کرد و ممکن است امر ترخیصی باشد. حتی تعبیر برخی از علما این است که از امر در مقام توهّم حظر، ترخیصی بودن استفاده می شود. در این فرض، فارق بین مریض و مسافر و دیگران، وجود ترخیص در تیمّم برای مریض و مسافر و عدم وجود ترخیص برای دیگران است. البته آیه تنها بیان می کند: مریض و مسافر امر تعیینی به وضو و غسل ندارند و دلالتی بر وجود امر تخییری نیست. پس آیه تنها دلالت بر بطلان وضو و غسل ندارد نه آنکه دلیل بر صحت وضو و غسل ضرری است.

###### بیان سوم و اشکال به آن: کفایت امر استحبابی وضو در تصحیح وضوی ضرری

بیان سوم این است: در برخی از کلمات وارد شده: به صورت کلی برای وضو و غسل، امر استحبابی وجود دارد و همین امر استحبابی کافی برای تصحیح وضو و غسل ضرری است. اما این بیان در اینجا ناتمام است زیرا «اذا قمتم الی الصلاه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم» در مقام بیان این است که شرط صحت صلاه، وضوست. از سویی دیگر بیان شده: «مریض و مسافر تیمّم کند.» حال اکر امر به تیمّم امر تعیینی باشد، از آیه برداشت می شود شرط صحت صلاه درباره مسافر و مریض تنها تیمّم است. پس صرف استحباب نفسی غسل و وضو، کافی برای تأمین شرط صحت صلاه نیست.

بله اگر امر به تیمّم، امر تخییری دانسته شود، از آیه برداشت می شود شرط صحت صلاه برای مریض و مسافر، جامع وضو و تیمّم است و با این فرض،

در نتیجه، بحث استحباب نفسی که در کلام مرحوم داماد وارد شده را نباید وارد بحث کرد. آقای سیستانی نیز به این مطلب اشاره کرده و آن را پاسخ داده است. هر چند پاسخ ایشان به نحوی نیست که بیان شد اما به نظر می رسد، مراد ایشان همین مطلب است و در تقریرات مطلب درست منعکس نشده است. مراد ایشان این است: از آیه شریفه استفاده می شود شرط تعیینی صلاه برای مریض و مسافر تیمّم است پس مجرّد استحباب نفسی وضو و غسل کافی برای تصحیح صلاه نیست.

ایشان این اشکال را طرح کرده:

الوجه الرابع: أن يقال إنه لو سلمنا إن الآية الشريفة تدل على عدم وجوب الوضوء و الغسل في حال المرض إلا إنه يكفي في مشروعيتهما إطلاق أدلة استحبابهما و حينئذ يترتب عليهما أثرهما و هو الطهارة من الحدث

در پاسخ سوم می فرماید:

و ثالثا: إن ما ذكر إنما يتم فيما لو كان المستفاد من الآية مجرد تحديد وجوبهما بعدم الضرر. و أما لو كان المستفاد منها تحديدهما بما أنهما شرطان للصلاة أو محصلان لما هو شرطها من الطهارة فإنها حينئذ تكون دليلا على الفساد عند فقدان الحد المذكور. و بذلك ظهر إنه لا إطلاق لدليل مشروعية الوضوء و الغسل بالنسبة إلى من يضره الماء. فلا محل للبحث عن اجراء (لا ضرر فيهما) حتى يبحث عن أن المستفاد منها عام للجاهل بالضرر أو مختص بالعالم به.[[13]](#footnote-13)

مراد ایشان ظاهرا این است که آیه ظهور دارد که تیمّم شرط تعیینی صحت صلاه است. با این فرض، نماز مریض و مسافر بدون تیمّم باطل است. البته بیان شد: نمی توان از آیه شرط تعیینی بودن تیمّم را استفاده کرد. این بیان مکمّلی دارد که در جلسه آینده بدان اشاره خواهد شد.

1. سوره مائده، آيه 6. [↑](#footnote-ref-1)
2. الرد على أصحاب العدد - جوابات أهل الموصل؛ ص: 22 [↑](#footnote-ref-2)
3. [المقنعه، شیخ مفید، ج، ص295.](http://lib.eshia.ir/15114//295/%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%87) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص173.](http://lib.eshia.ir/10083/4/173/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، ج1، ص82.](http://lib.eshia.ir/12013/1/82/%D8%A7%D9%81%D8%B7%D8%B1) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص86.](http://lib.eshia.ir/11005/4/86/%D9%81%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%20%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B6%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-6)
7. الخصال، ج‏2، ص: 537 [↑](#footnote-ref-7)
8. المقنع (للصدوق)، النص، ص: 182 [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص519.](http://lib.eshia.ir/11005/4/519/%D8%A7%D8%B4%D8%AF) [↑](#footnote-ref-9)
10. البته تا اینجا به دو آیه اشاره شد: آیه اول درباره تیمّم در سفر بود و آیه دیگر درباره عدم وجوب صوم در سفر و هیچ آیه ای درباره لزوم قصر در سفر مورد اشاره نبود. مگر استدلال به تلازم قصر در سفر و عدم ایجاب صوم باشد (مقرّر) [↑](#footnote-ref-10)
11. تفسير العياشي ؛ ج‏1 ؛ ص81 [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص118.](http://lib.eshia.ir/11005/4/118/%D9%85%D9%81%D9%88%D8%B6) [↑](#footnote-ref-12)
13. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 286 [↑](#footnote-ref-13)